

## مدعیان نجات کشور از قحطی از تنظیم بازار شب عید عاجز ماندند

وزیر اسبق وزارت صنعت، معدن و تجارت با بیان اینکه دولت فعلی دولتی خسته، پیر و مغرور است که با منتقدان بسیار بد برخورد می‌کند، گفت: مدعیان نجات کشور از قحطی، از تنظیم بازار شب عید ۱۴۰۰ عاجز ماندند.

به گزارش خبرنگاران اقتصاد گزارش خبر، عباس آخوندی وزیر اسبق راه و شهرسازی اخیرا در مصاحبه ای اعلام کردند که سال ۹۲ را یادمان نرود. اگر روند سال ۹۲ ادامه پیدا کرده بود، الان قحطی تمام ایران را گرفته بود. اسحق جهانگیری معاون اول رئیس جمهور هم از ادبیات مشابهی برای تولید کردن دستاورد برای دولت تدبیر و امید استفاده کرده بود.

پیرو این سخنان و برای روشن شدن وضعیت کشور به لحاظ ذخایر کالاهای اساسی، تنظیم بازار و مدیریت منابع موجود کشور گفت وگویی با مهدی غضنفری وزیر اسبق وزارت صنعت، معدن و تجارت انجام شد.

وی معتقد است بیان این مطالب توسط آخوندی حاکی از باورهای وی نسبت به وضعیت آن دوران است و در اصل یک اعتراف مهم مبنی بر عدم شناخت وی از وضعیت اقتصاد و بازار است.

تصور و باور دولت در آن مقطع زمانی اینگونه بود که کشور در شرایط حساس و خطرناکی قرار دارد و به همین دلیل نیز به مذاکرات و به موضوع برجام به عنوان ناجی نگاه می‌کردند حال آنکه واقعا وضعیت ذخایر کالاهای اساسی کشور در آن روزها بهتر از زمان فعلی بود و علیرغم اتفاقات و تحریم‌هایی که در سال‌های ۹۰ و ۹۱ علیه ایران اعمال شد، بازار شب عید سال ۱۳۹۲ بسیار بهتر از بازار شب عید ۱۴۰۰ مدیریت شد.

در ادامه گفت وگویی تفصیلی با مهدی غضنفری وزیر اسبق وزارت صنعت، معدن و تجارت را می‌خوانید.

\* اعتراف مهم آخوندی درباره عدم شناخت وضعیت اقتصاد و بازار

جناب آقای غضنفری اخیرا آقای آخوندی وزیر اسبق راه و شهرسازی در مصاحبه‌ای بیان کرده که در سال ۱۳۹۲ کشور در آستانه قحطی قرار داشته و گفته اند که اگر روند سال ۱۳۹۲ ادامه پیدا کرده بود، الان قحطی تمام ایران را گرفته بود. شما به عنوان سکاتدار وزارت صمت در آن سال بفرمایید که کشور در آن دوره به لحاظ تامین کالاهای اساسی در چه وضعیتی قرار داشت و آیا این اظهارات در رابطه با وضعیت آن دوره درست است یا خیر؟

غضنفری: به نظر من آقای آخوندی اعتراف مهمی کرده است و بواسطه بیان این اظهار نظر، اعتراف کرده که وضعیت اقتصادی کشور را نمی‌شناخته است و اعتراف کرده که او و همفکران او بسیار ترسیده بودند و همچنین اعتراف کرده که دانش کافی در مورد اقتصاد و بازار را نداشته است.

این اعتراف نشان می‌دهد که دولت با چه روحیه‌ای وارد مذاکره برجام شده است. در واقع وی اعتراف کرد که با تصویری از موقعیت اقتصادی به پای میز مذاکره برجام رفتند که تصورشان در مورد کشور این بوده که کشور در آستانه قحطی بوده است و در واقع آقای آخوندی با بیان این مطالب، باورهای خود از آن روزها را بیان کرده است. اتفاقا ما هم همان موقع مصاحبه کردیم و گفتیم تصور شما اشتباه است لطفا آن را آنقدر تکرار نکنید تا به یک باور عمومی تبدیلش کنید.

تصور و باور دولت در آن مقطع زمانی اینگونه بود که کشور در شرایط حساس و خطرناکی قرار دارد و به همین دلیل نیز به مذاکرات و به موضوع برجام به عنوان ناجی نگاه می‌کردند حال آنکه واقعا وضعیت ذخایر کالاهای اساسی کشور در آن روزها بهتر از زمان فعلی بود و علیرغم اتفاقات و تحریم‌هایی که در سال‌های ۹۰ و ۹۱ علیه ایران اعمال شد، بازار شب عید سال ۱۳۹۲ بسیار بهتر از بازار شب عید ۱۴۰۰ مدیریت شد.

لذا تصریح می‌کنم که آقای آخوندی با توجه به اعتراف خود در اصل بیان کرده است که حقیقت جامعه و وضعیت اقتصاد در آن دوران مطلع نبوده و به این ترتیب وی به یک نادانی مهم اعتراف کرده است.

در بهار ۱۳۹۲ و در زمانی که هنوز انتخابات ریاست جمهوری یازدهم انجام نشده بود ما آماده تحویل دولت دهم به گروه جدید و به عبارتی دولت یازدهم بودیم و لذا با اقدامات و برنامه ریزی‌های انجام شده مدیریت تنظیم بازار را در راستای مقابله با تحریم‌ها سپری کرده بودیم و به دنبال سرمایه گذاری‌های توسعه‌ای در بخش‌های معدن و کشاورزی بودیم، اما در کمال تاسف دولت یازدهم با تصویب مصوبه‌ای کورکورانه اعلام کرد که تمامی مصوبات سه ماه آخر دولت قبلی ملغی است و براساس مصوبه مذکور تمام طرح‌های مصوب در حوزه توسعه معادن و کشاورزی را کان لم یکن اعلام کرد.

لذا آقای آخوندی با بیان این مطلب که کشور در سال ۱۳۹۲ در آستانه قحطی بوده در اصل به بیان افکار و باور خویش پرداخته است و این اظهار نظر حاکی از آن است که وی تصور درستی از واقعیت‌های کشور نداشته و در جریان امور نبودند و علیرغم تلاش ما و همکاران دولت دهم برای تفهیم شرایط و وضعیت کشور، گوش شنوایی وجود نداشت.

\* دولت روحانی از تلاطمات اقتصادی سال‌های ۹۰ و ۹۱ ترسیده بود

این ذهنیت دولت یازدهم شاید به دلیل تصورات حزبی، جناحی و یا شاید ناشی از القاء وضعیت توسط مشاورین آنها بود. همچنین برخی تلاطمات اقتصادی سال‌های ۹۰ و ۹۱ دولت جدید را ترسانده بود و دولت آقای روحانی و شخص روحانی در مطالبی که بیان می‌کرد این ترس و نگرانی کاملاً بارز بود بطوریکه در گزارش ۱۰۰ روز اول خود برای توجیه مذاکرات برجام اعلام کرد که در زمان تحویل دولت؛ خزانه و انبارها خالی بوده است. این در حالی است که در آخرین جلسه دولت دهم و قبل از تحویل دولت یکی از گزارشاتی که شخصا توسط بنده به ایشان ارائه شد حاکی از وضعیت خوب موجودی کالاهای اساسی در کشور بود. برای اثبات این مطلب نیز فقط کافی است وضعیت خوب توزیع کالاهای اساسی در بهار ۱۳۹۲ با بازار نابسامان شب عید ۱۴۰۰ مقایسه شود و خواهید دید که که اوضاع به لحاظ فراوانی کالا به مراتب بهتر از اوضاع فعلی بود و هیچ صافی برای تهیه کالاهای اساسی مردم تشکیل نشد.

لذا اگر براساس ادعای آقای آخوندی کشور در آستانه قحطی بود باید این موضوع در شب عید همان سال ۱۳۹۲ بروز می‌کرد که خوشبختانه چنین اتفاقی رخ نداد. علاوه بر این دولت روحانی در چند ماه اول با توجه به برخی امورات از جمله انتخاب وزرا کار خاصی برای تنظیم بازار انجام نداده بود و هر تصمیمی که اتخاذ کرده بودند از زمستان ۹۲ نمایان می‌شد. بنابراین اگر کشور در آستانه قحطی بود این قحطی باید در تابستان و یا پاییز ۹۲ رخ می‌داد که چنین اتفاقی هم نیفتاد و بر این اساس کاملاً روشن است که دولت یازدهم کشور را با ذخایر کافی و وافی تحویل گرفته بود.

\* مدعیان نجات کشور از قحطی از تنظیم بازار شب عید ۱۴۰۰ عاجز ماندند

ذکر این نکته را نیز لازم می‌دانم که اگر اینها مدعی تنظیم بازار هستند و قدرت تنظیم بازار را دارند و در سال ۹۲ باعث نجات کشور از قحطی شده اند چرا از تنظیم بازار شب عید ۱۴۰۰ عاجز بودند؟ لذا از آنجا که در آن روزها هیچ مشکلی برای آنها در تنظیم بازار رخ نداد، ناشی از آن بود که ما در دولت دهم ذخایر کافی از کالاهای اساسی برای آنها فراهم کرده بودیم و در نتیجه سخنی که آقای آخوندی در مورد قحطی گفتند درست نیست. اما برداشت من از مجموعه رفتارهای آقای آخوندی این است که مطالب مطرح شده از سوی آقای آخوندی باور درونی‌شان بوده است.

دولت روحانی اطلاعات کافی از مجموعه داشته‌ها و دارایی‌های کشور نداشت و متأسفانه باید بگویم که این چیزی که دولت فعلی قرار است به دولت سیزدهم تحویل دهد دهها برابر دارای مشکلات بیشتری نسبت به آن چیزی است که از دولت دهم تحویل گرفته اند.

همانطور که می‌دانید در سال ۹۹ شاهد مشکلات عدیده‌ای در تنظیم بازار بودیم و مردم برای تامین کالاهایی مثل مرغ و روغن و... دچار مشکلات فراوانی بودند. متأسفانه در هشت سال گذشته و بخصوص سه سال اخیر فشار اقتصادی وارد شده به مردم نیز بسیار زیاد بوده تا جایی که با وجود مشکلات عدیده اقتصادی فعلی، مردم تا حدودی انتقادات اقتصادی به دولت دهم و یازدهم را فراموش کرده اند. همچنین بسیاری از مشکلات اقتصادی و مسائل و مشکلات ناشی از کمبود کالا به تحریم‌ها نسبت داده می‌شود، با توجه به اینکه در دوران دولت دهم و بخصوص در سال‌های ۹۰ و ۹۱ تحریم‌ها به اوج خود رسیده بود چه اقداماتی برای تنظیم بازار انجام می‌شد و چگونه کالاهای مهم و اساسی مورد نیاز کشور تامین می‌شد که الان این اتفاق نمی‌افتد. شما چه اقداماتی برای تامین کالاهای ضروری و اساسی انجام می‌دادید که دولت فعلی نمی‌تواند انجام دهد و یا نمی‌خواهد انجام دهد؟

غضنفری: سوال مهمی است و نیازمند توضیحات جامع و کاملی است اما سعی می‌کنم در این مصاحبه مختصری در مورد آن توضیح دهم، یک نکته در مورد تحریم‌ها وجود دارد که بارها در مصاحبه‌ها به آن اشاره کرده‌ام اما کمتر مورد توجه قرار گرفته است و آن این است که تحریم‌های آن دوره یعنی سال‌های ۹۰، ۹۱ و ۹۲ به مراتب از تحریم‌های الان سخت تر بودند. زیرا در آن دوران نه تنها دولت آمریکا ما را تحریم کرده بود بلکه کشورهای اروپایی نیز در پی قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل ما را تحریم کرده بودند.

اوباما نیز با گماردن افرادی در سفارت خانه‌های آمریکا در کشورهای حوزه خلیج فارس اوضاع و نتیجه تحریم‌ها را به شدت رصد می‌کرد. لذا تحریم‌ها در آن دوره به شدت فشرده تر، پیچیده تر و گسترده تر از تحریم‌های فعلی بود.

آن اوضاع و تحریم‌های فلج کننده در آن دوران را چگونه پشت سر نهاده شد؟

غضنفری: نکته اول اینکه در دولت آقای روحانی و بعد از خروج آمریکا از برجام مسئولان چند ماه به این فکر می‌کردند که آمریکا با خروج از برجام می‌خواهد چه کار کند و چند سال نیز منتظر مانند که ببینند تدابیر اروپا بعد از خروج آمریکا از برجام چیست. لذا منتظر تدابیر اروپا برای خروج از برجام و بکارگیری آن تدابیر ماندند.

دولت روحانی بعد از خروج آمریکا از برجام در انتظار تدابیر اروپایی‌ها و بکارگیری آن تدابیر برای حل مشکلات ماندند.

این در حالی است که ما چنین انتظاری نداشتیم و می‌دانستیم که در آن شرایط تحریمی کسی دست ما را نمی‌گیرد و آمریکا و اروپا کمکی به ایران نمی‌کنند بنابراین از همان ابتدا می‌دانستیم که ما تنها هستیم و باید تمام همت خود را برای حل مشکل بکار گیریم.

دوم اینکه با شدت گرفتن تحریم‌ها در دولت قبل، هماهنگی بین وزارتخانه‌های مختلف به شدت افزایش یافت و اختلافات بین وزارتخانه‌ها کنار گذاشته شد بطوری که وقتی وزارت صمت پیشنهاد ایجاد مرکز مبادله ارزی را داد، بانک مرکزی نه تنها مخالفت نکرد بلکه برای پیشبرد اهداف این مرکز کمک هم کرد و حتی از خانم کیانی راد، معاون ارزی وقت خود خواست تا بر امورات نظارت کند تا جریان ارز رسانی را متوجه کالا بکند.

همچنین در آن دوران با توجه به اینکه برای تامین و ذخیره سازی کالاهای اساسی نیاز به ارز دولتی وجود داشت، وزارت نفت در راستای تحقق این هدف و ذخیره سازی کالاهای اساسی بسیار به ما کمک کرد و وزیر نفت در آن دوران در هر جایی که موفق به فروش نفت می‌شد بلافاصله ما را مطلع می‌کرد که در کجا ارز وجود دارد و ما نیز بلافاصله ارز را به سمت فروشندگان کالاهای اساسی منتقل می‌کردیم و سپس کالاهای اساسی خریداری شده با ارز دولتی را به کشور منتقل می‌کردیم.

\* برگزاری جلسات مستمر و هفتگی ضد تحریم

نکته سومی که آن دوره برای تامین کالاهای اساسی و ذخیره سازی آن انجام می‌گرفت این بود که در طول هفته چهار جلسه ضد تحریمی برگزار می‌شد که در آن مسائل مختلف برگزار می‌شود به طوری که شنبه هر هفته در وزارت صمت با مدیریت اینجانب یک جلسه و روزهای یکشنبه نیز با مدیریت معاون اول رئیس جمهور یک جلسه در حاشیه جلسه دولت برگزار می‌شد و صبح دوشنبه هر هفته نیز جلسه‌ای با حضور رئیس جمهور و وزاری اقتصادی دولت برگزار می‌شد که در آن جلسه من به عنوان وزیر صنعت، معدن و تجارت آخرین ذخایر کالاهای اساسی کشور را گزارش می‌کردم و وضعیت کشتی‌های حامل کالا به کشور و یا دموارژ کشتی‌ها تشریح می‌شد و در صورتی که مشکلی برای تامین ارز کالاهای اساسی و تخلیه بار کشتی‌ها وجود داشت رئیس جمهور بلافاصله در آن جلسه دستور تسریع برای تامین ارز را صادر می‌کرد و کشتی‌های حمل بار کالاهای اساسی براساس این اقدامات از دموارژ خارج می‌شد.

علاوه بر سه جلسه مذکور، سه شنبه‌ها نیز تیم اقتصادی دولت در بانک مرکزی در راستای چگونگی تامین ارز مورد نیاز تمامی دستگاه‌ها تشکیل جلسه می‌داد و بر این اساس تمامی وزرا و مسئولان دولتی به صورت جدی برای حل مشکلات ناشی از تحریم‌ها با یکدیگر همکاری تنگاتنگ داشتند. با توجه به جمیع مطالب ذکر شده برای تامین کالاهای مورد نیاز کشور برنامه ریزی وجود داشت و برای دستیابی به هدف و برنامه تعیین شده تمام برنامه‌ها از قبل تعیین می‌شد.

نکته بعدی که در مورد نحوه تامین کالاهای اساسی در دوره تحریم‌های فعلی و گذشته وجود دارد این است که ما می‌دانستیم که زنجیره‌های تامین دارای تاخیر زمانی است. به عنوان مثال اگر اکنون جوجه ریزی برای تامین مرغ انجام نشود دو ماه آینده اثرات آن نمایان می‌شود و اگر برخی اقدامات از قبیل تهیه و خرید نهاده‌های دام یا طیور را به موقع انجام ندهیم مشکل تامین گوشت یا شیر در ماه‌های آینده آشکار خواهد شد بنابراین بسیاری از فعالیت‌های ما برای تنظیم بازار از ۴ تا ۶ ماه زودتر آغاز می‌شد.

\* دولت فعلی چرا نتوانست این اقدامات واضح و بدیهی را برای تامین کالاهای اساسی را انجام دهد؟

غضنفری: یکی از عوامل موثر بر وضعیت کنونی بازار این بود که ظرف ۴ سال گذشته وزارت صمت دارای یک وزیر ثابت نبوده است و مدام یک وزیر برکنار شده و به جای آن برای مدتی سرپرست امور وزارتخانه را بر عهده گرفته است بنابراین کاملاً طبیعی است که در چنین شرایطی انسجام در یک وزارتخانه از بین می‌رود و آن گونه که لازم است برنامه ریزی‌ها انجام نمی‌شود.

این در حالی است که در سالهای ۹۰، ۹۱ و ۹۲ و با وجود تحریمها دولت مجموعه‌ای از ساز و کارهای مدیریتی و حکمرانی از جمله تشکیل وزارت ادغامی صمت را به کار گرفت تا موفق شدیم سال ۹۲ در آرامش باشد و انتخابات نیز بخوبی برگزار شد. اما در آن زمان و بعد از انتخابات ریاست جمهوری شخصی مانند آقای روحانی بر سر کار می‌آید که هیچ گاه دلیل افزایش دو برابری قیمت ارز در آن سال را نمی‌پرسد و تحریمها را نیز قبول ندارد و همه مسائل و مشکلات را ناشی از سوء مدیریت بیان می‌کند. اما کم کم که در جریان امور قرار می‌گیرد وحشت زده می‌شود و متوجه می‌شود که چه سختی‌های بزرگی بر سر راه انجام کارها وجود دارد. در این شرایط به جای اینکه از تیم قبلی و دولت قبلی سوال کند که شما چطور مشکلات را با وجود تحریمها حل کردید شروع می‌کند به بیان انتقادات گزنده مانند کاسبان تحریم و همه واژه‌های منفی عالم را در مورد دولت قبل بکار گرفت و هیچ گاه نیز اجازه نداد تا تجربه گرانبهای مبارزه با تحریمها به دولت بعدی منتقل شود.

این در حالی است که حکمرانی شایسته و حکمرانی متعالی محصول ذخیره شدن تجربیات حکمرانی در یک کشور است. اما متأسفانه در کشورمان دولت‌های جدید همواره تجربیات دولتی‌های قبلی را دم دستی، به درد نخور و بی ارزش قلمداد کرده اند و از آن استفاده نکرده اند. مثال در این مورد نیز زیاد است مثلاً دولت روحانی بعد از مدتی طرح مسکن مهر را متوقف ساخت و یا کارت سوخت را کنار گذاشت و مرکز مبادله ارزی را منحل کرد و ... و بسیاری از تجربیات ما برای تنظیم بازار را در دولت قبلی نادیده گرفت و آن را مناسب برای شرایط شعب ابیطالب عنوان کردند به این امید که با امضا برجام، سرمایه‌ها و پول‌های بلوکه شده آزاد خواهد شد.

\* ناتوانی دولت فعلی در حل مشکلات به علت خستگی و غرور است  
البته مشکلات فعلی فقط منوط به بی توجهی دولت در چگونگی رفع تحریمها نیست و دلایلی دیگری نیز دارد از جمله اینکه دولت فعلی دولتی خسته، پیر و دولتی مغرور است که با منتقدان بسیار بد برخورد می‌کند و ادبیات بسیار زشتی را علیه منتقدان بکار می‌گیرد. لذا منتقدان دولت نیز به دلیل بی مهری، بایکوت شدن و بی توجهی بسیار از این وضعیت دل زده هستند و حوصله ورود به گفت‌وگو با دولت را ندارند. در شرایط فعلی و موجود برای تنظیم بازار چه باید کرد؟

غضنفری: همانطور که بیان شد در زنجیره تامین برخی از کالاها، زمان بسیار حائز اهمیت است و به عبارتی برای تامین برخی از کالاها یک زمان طلایی وجود دارد که اگر آن زمان از دست برود برای تامین برخی از کالا با مشکل مواجه می‌شویم. لذا برای تامین برخی از کالاهای اساسی مورد نیاز مردم مثلاً مرغ باید با تمامی تولید کنندگان این محصول مصرفی مردم جلسه برگزار کرد و مشکلات آنها را شناسایی کرده و در جهت رفع آن اقدام کرد. همچنین باید در تامین نهادهای مورد نیاز و تسهیلات اقدامات لازم و ضروری انجام شود و در صورت لزوم و در مواقع که تولید افزایش می‌یابد در جهت جلوگیری از ضرر و زیان تولیدکنندگان اقدام به خرید تضمینی کالا و ذخیره سازی آن برای شرایط اضطراری کرد.

\* سرکشی بازار ناشی از عدم توانایی در حکمرانی است  
در مجموع فرض کنید برای تنظیم بازار ۲۰ قاعده حکمرانی وجود دارد که اگر دولتی این قواعد حکمرانی و قواعد تنظیم بازار را بپذیرد بازار به نظم در می‌آید. لذا زمانی بازار دچار نافرمانی و سرکشی می‌شود که عده‌ای که فهم بازار و توان حکمرانی بازار را ندارند مسئولیت تنظیم بازار را به عهده می‌گیرند. این در حالی است که بخش خصوصی و فعالان اقتصادی در بازار، عموماً سود و زیان خویش را خوب می‌شناسند و اصطلاحاً هوش اقتصادی دارند و از رفتار مقامات بلافاصله متوجه شوند که بازار رها شده و دولت توان کافی برای اداره آن را ندارد. طبیعتاً در چنین شرایطی دلالی و سفته بازی نیز به اوج خود می‌رسد.

زمانی بازار دچار نافرمانی و سرکشی می‌شود که عده‌ای که فهم بازار و توان حکمرانی بازار را ندارند مسئولیت تنظیم بازار را به عهده می‌گیرند.

اما اگر یک گروه مدیر و مدیر و هماهنگ که آگاه به آن مثلاً ۲۰ قاعده حکمرانی بازار باشند وجود داشته باشد و همه دستگاهها نیز با آنها هماهنگ باشند و رئیس جمهور یا معاون اول نیز مرتب گزارش بخواهد و تسلیم نیروهای فشار نشوند و وفور کالا نیز در بازار باشد این مشکلات حل خواهد شد. یکی از قواعد حکمرانی برای تنظیم بازار، فراوانی کالا است بطوری که وفور کالا حتی بر کنترل قیمت‌ها و پایین بودن قیمت‌ها ارجحیت دارد لذا برای تنظیم بازار یکی از موارد ضروری آن است که انبارها حتی انبارهای بخش خصوصی به اندازه کافی موجودی داشته باشد تا در صورتی که در شرایطی جریان دلالی خواست بازار را تسخیر کند و رهبر بازار شود، بلافاصله با باز شدن در انبارها و گسیل کالا به بازار، کنترل بازار انجام شود. در این میان اگر به آن فرضاً ۲۰ قاعده حکمرانی برای تنظیم بازار عمل شود، آنگاه موضوع بازرسی و تعزیرات از جمله قواعد آخری تنظیم بازار هستند یعنی آخرین آن کارها، بگیر و ببند و تنبیه و جریمه و استفاده از ظرفیت بازرسان است که دولت فعلی به آن متوسل شده است بطوری که اگر قواعد اولیه حکمرانی و تنظیم بازار اجرا شود نیاز زیادی به به جریمه و تنبیه نیز وجود نخواهد داشت.

لذا با تدبیر به موقع، تامین به موقع مواد اولیه و خام مورد نیاز تولید و ذخیره کردن کالاهای مورد نیاز با کمک بخش‌های مختلف از جمله بخش خصوصی و بهره‌گیری از ظرفیت اصناف می‌توان بسیاری از مشکلات تنظیم بازار را حل کرد.

\* دولت کاستی‌های خود را با دروغ و فرافکنی جبران می‌کند  
گناه را گردن مردم و بخش خصوصی نباید انداخت. مردم سوال می‌کنند جناب آقای رییس جمهور اگر شما و دولت شما قادر به رفع مشکلات نیستید درواقع اگر برای شما امر حکمرانی بازار آن قدر پیچیده بود که نتوانستید آن را تنظیم کنید چرا از تجربیات موفق گذشته بهره نمی‌گیرید؟ چرا فرافکنی می‌کنید؟ چرا دروغ می‌گویید؟ چرا مشتکی لاطائلات تحویل مردم می‌دهید؟ شما برای اینکه کاستیهای خود را توجیه کنید می‌گویید هشت سال پیش قرار بوده قحطی بیاید و شما جلوی آن را گرفته‌اید. اگر شما چنین طبیب حاذقی هستید پس چرا حالا پس از هشت سال تجربه بیشتر قادر به انجام ساده‌ترین کارها در بازار نیستید.

آقای آخوندی جمله خودت را اینگونه اصلاح کن: «مردم عزیز ایران! اگر در ابتدای کار دولت یازدهم، بازار به نظم و به سامان بود چون ما بر سر سفره آماده نشستیم و حالا که نوبت خودمان شده که کاری بکنیم متوجه شدیم از پس آن بر نمی‌آییم. ما را ببخشید» آخوندی باید این جمله را اعتراف می‌کرد نه اینکه راجع به گذشته سیاه نمایی کند.

آقای غضنفری شما در ابتدای فرمایشات خود به این موضوع اشاره کردید که مسئولان در این دولت اشراف کافی به وضعیت اقتصادی کشور ندارند، چطور یک مقام مسئول مانند وزیر یک وزارتخانه از اشراف کافی برای مدیریت حوزه خود برخوردار نیست و این اتفاق چگونه می‌افتد؟ غضنفری: این افراد اغلب آدم‌های سیاسی هستند یعنی آدم‌های حکمرانی تخصصی نیستند، مثلاً قواعد حکمرانی اقتصادی را نمی‌دانند. من نمی‌دانم شما چرا از این آدم‌ها انتظار دارید که یک اتفاق مثبتی در کشور رخ دهد. زیرا آدم سیاسی بودن و حکمران اقتصادی بودن دو منظر و دو ساحت کاملاً جدا از یکدیگر است.

آقای آخوندی حکمرانی وزیر حوزه مسکن شهرسازی و مسکن بود در حالی که سوال این است این فرد در این حوزه چه اقدامی انجام داد و در حوزه مسکن و شهرسازی چه قدمی برداشت. اگر مصاحبه‌های این شخص در سال‌های گذشته و حتی اکنون بررسی شود متوجه خواهید شد که هیچ نکته تخصصی در مصاحبه‌های وی وجود ندارد و مدام صحبت‌های کلی و سیاسی مطرح می‌کند.

بنابراین باید بگوییم در یک حکمرانی تخصصی این آدم‌ها یعنی افراد سیاسی قابلیت کار تخصصی ندارند اما متأسفانه پست‌ها را اشغال می‌کنند. و یا برخی دیگر یک سال به عنوان وزارت فلان وزارتخانه را برعهده داشتند و پس از آن مسئولیت وزارتخانه دیگری به آنها واگذار شد اما علیرغم اینکه این فرد در دوره مدیریت خود در وزارت اول هیچ خدمت ارزنده نداشت کسی نپرسید چرا مدیریت وزارتخانه دیگری را به وی می‌سپارید. اینها رفتارهای سیاسی است و رفتارهای مبتنی بر حکمرانی حضرت علی(ع) نیست که برای انجام امورات مختلف توجه می‌کرد که مبادا هزینه‌ای از بیت المال اسراف شده باشد.

بنابراین وقتی کسی نتوانسته در یک سال یک وزارتخانه را مدیریت کند باید عذرخواهی کند و کنار برود نه اینکه وزارتخانه دیگری را به وی بسپارند. این کارها مبتنی بر عقلانیت و منافع ملی نیست بلکه این اقدامات و مسئولیت دادن به افراد براساس منافع گروهی، جناحی و حزبی است و در نتیجه اینگونه می‌شود که یک عده بدون آگاهی و تجربه تخصصی در امر حکمرانی در یک حوزه خاص به عنوان مسئول آن حوزه تعیین می‌شوند و مردم باید نتیجه اقدامات و سخنان گزنده آنها را تا سالها تحمل کنند.